

خوف و رجا

ابوالفضل یغمایی

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ * تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا؛^۱

تنها کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می‌افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می‌آورند، و تکبر نمی‌کنند. پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود (و پیاپی می‌خیزند و رو به درگاه خدا می‌آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند.

مفهوم‌شناسی

خوف، مرادف فارسی ترس و به معنای احساس ناخوشایند ناشی از بروز خطر، ناامنی از روی دادن نامطلوب یا تصور آنها، و هراس^۲ است. و در اصطلاح علم اخلاق، ترس به معنای دل سوختن و متألّم بودن از این که یک پدیده ناخوشایندی که محتمل الوقوع است به انسان برسد.^۳ رجا ضدّ یأس، به معنای امید به رحمت خداست و آن عبارت از: انبساط سرور در دل به دلیل انتظار امر محبوبی.^۴

تفسیر آیه

از این آیه استفاده می‌شود کسی که مدّعی ایمان به آیات الهی است، باید صفات زیر را دارا باشد؛ به سجده افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن، تسبیح و تحمید خداوند، فروتنی و شب

۱. سجده، ۱۵ - ۱۶.

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۱۶۹۵.

۳. نراقی، معراج السعاده، ص ۱۴۹.

۴. همان، ص ۱۷۷.

زنده‌داری، داشتن صفت خوف و رجا و انفاق در راه خدا، و چنان‌چه کسی این صفات را دارا نباشد ضعیف‌الایمان است. مؤمنان حقیقی کسانی‌اند که از سویی امیدوارانه خدا را می‌خوانند، و از سویی نیز ترس دارند. نه از غضب او ایمن می‌شوند و نه از رحمتش مأیوس می‌گردند. توازن بیم و امید، ضامن تکامل و پیشروی در راه خداست و همواره در وجود مؤمنان حکم‌فرماست؛ چرا که غلبه خوف بر امید، انسان را به یأس و سستی می‌کشاند و غلبه امید و طمع بر خوف، انسان را به غرور و غفلت وامی‌دارد.^۱

ترس مطرح شده در آیه ترس ممدوح است در مقابل ترس مذموم. ترس پسندیده سه نوع است:

۱. ترس بنده از عظمت و جلال کبریایی خداوند متعال که این نوع خوف را خشیت یا رهبت می‌نامند.
۲. ترس بنده از گناهان کبیره و صغیره که آثار سوء دنیوی و اخروی دارد. هر گناهی بازتابی و عقوبتی دارد که گناه‌کار باید متحمل آن شود و این ترس دارد.
۳. ترس بنده از عظمت و جلالت خدا و نیز تقصیرات خود.^۲

رجا، زمانی محقق می‌شود که آدمی بسیاری از اسباب رسیدن به محبوب را تحصیل کرده باشد؛ مثل انتظار گندم از برای کسی که تخم بی‌عیب را به زمین قابلی که آب به آن ننشیند بیندازد و آن را در وقت خود آب دهد.

اما توقع چیزی که هیچ یک از اسباب آن را مهیا نکرده باشد، آن را رجا نمی‌گویند، بلکه غرور و حماقت می‌نامند؛ مانند انتظار گندم از برای کسی که تخم آن را در زمین شوره‌زاری که بی‌آب است افکنده باشد.

ولی اگر کسی بعضی اسباب را تحصیل کرده و بعضی را نکرده که حصول محبوب، مشکوک^۳ فیه باشد آن را آرزو و تمنا می‌گویند؛ مثل آن که تخم را در زمین قابلی افکنند، اما در آب‌دادن آن کوتاهی نمایند.

پیام‌های آیه

۱. سجده عاشقانه، تسبیح و ستایش خداوند، نشانه مؤمن است.
۲. سجده‌های مؤمنان، مخصوص هنگام نماز نیست.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۴۶ - ۱۴۷.

۲. نراقی، معراج السعاده، ص ۱۵۹.

۳. همان، ص ۱۷۷.

۳. سجده ارزشمند، آن است که دنبالش تکبر نباشد.
۴. سحرخیزی، از نشانه‌های مؤمن است.
۵. مؤمن نه مأیوس است نه مغرور.
۶. تواضع، سحرخیزی و انفاق خصلت دایمی مؤمنان است.
۷. انفاق تنها به مال نیست.^۱

آیات و عناوین مرتبط

- آثار خوف:** آمرزش: (یس، ۱۱)؛ به حال مرگ درآمدن: (احزاب، ۱۹)؛ پنهان کاری: (احزاب، ۳۷)؛ عدم تعادل روان: (ابراهیم، ۴۳؛ احزاب، ۱۰).
- آثار خوف از خدا:** اجتناب از بدی‌ها: (آل عمران، ۳۰)؛ اجتناب از دین فروشی: (مائده، ۴۴)؛ اجتناب از قتل: (مائده، ۲۸)؛ اجتناب از محرّمات: (بقره، ۲۳۵؛ مائده، ۹۰ و ۹۲).
- پاداش خوف از خدا:** آمرزش: (یس، ۱۱)؛ برخورداری از مواهب دلخواه: (ق، ۳۳ و ۳۵)؛ بهشت: (نازعات، ۴۰ - ۴۱)؛ پاداش: (ملک، ۱۲)؛ رضایت خدا: (بینه، ۸).
- خوف و رجا:** (اعراف، ۵۶؛ سجده، ۱۶؛ رعد، ۱۲؛ روم، ۲۴؛ زمر، ۹؛ انبیا، ۹۰).
- آثار خوف و رجا:** از زمره محسنان: (اعراف، ۵۶)؛ استجاب دعا: (انبیا، ۹۰)؛ بهره‌مندی از رحمت خدا: (اعراف، ۵۷)؛ تقرب: (اسراء، ۵۷).
- عوامل خوف:** اعمال نادرست: (نمل، ۱۱۲)؛ برق: (رعد، ۱۲)؛ کیفر آخرتی: (زمر، ۱۶)؛ توان رزمی: (انفال، ۶۰)؛ جباران: (مائده، ۲۲).
- عوامل مصونیت از خوف:** استقامت بر توحید: (فصلت، ۳۰؛ احقاف، ۱۳)؛ اسلام: (زخرف، ۶۷ و ۶۹)؛ اقامه نماز: (بقره، ۲۷۷)؛ انفاق: (بقره، ۲۶۲)؛ ایمان: (بقره، ۶۲)؛ بشارت (یونس، ۶۲ و ۶۴)؛ پرداخت زکات: (بقره، ۲۷۷)؛ تقوا: (اعراف، ۳۵).^۲

ارزش خوف از خدا

خوف از خدا از مراتب رفیع و استوار است. خوف از خدا برترین فضایل نفسانی و اشرف اوصاف نیک است؛ زیرا فضیلت هر صفتی به قدر اعانت کردن آن بر سعادت انسان است و هیچ سعادت بالائی از ملاقات پروردگار و رسیدن به مرتبه قرب او نیست و آن حاصل نمی‌شود مگر به تحصیل معرفت و انس با خدا و آن موقوف است به معرفت او و معرفت و محبت هم نمی‌رسد

۱. قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۱۱.

۲. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۱۳، ص ۱۶۰.

مگر به فکر و ذکر او و مواظبت بر فکر و ذکر ن‌ی‌ز محقق نمی‌شود مگر به ترک دوستی دنیا و لذت‌ها و شهوات آن. و هیچ چیز مانند خوف، قلع و قمع لذات و شهوات دنیا را نمی‌کند و از این جهت است که آیات و اخبار در فضیلت این صفت متواتر است^۱ و خدای تعالی برای اهل خوف، علم، هدایت، رضوان و رحمت را که مجمع مقامات اهل بهشت است جمع نموده، فرمود: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۲ و فرمود: «هَدَىٰ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ»^۳ یعنی هدایت و رحمت از برای کسانی است که ایشان از پروردگار خود ترسانند. و نیز فرموده است: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ»^۴ یعنی خدا از ایشان راضی و خشنود است و ایشان از خدا راضی و خشنودند و این مرتبه برای کسی است که از خدا بترسد و از آیات استفاده می‌شود که خوف از خدا از لوازم ایمان است و کسی که نمی‌ترسد از ایمان بی‌نشان است؛ چنان که فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»^۵.

سبب خوف از خدا

بدون شک هر قدر معرفت و آگاهی بنده به عظمت و جلال پروردگار بیشتر باشد به عیوب، کوچکی، نواقص و گناهان خود بیناتر می‌شود؛ ادراک قدرت قاهره و عظمت خداوند اضطراب‌آور و باعث وحشت می‌شود.

موسی عَلَيْهِ السَّلَام که خواست خدا را ببیند، خطاب «لن ترانی» آمد و به او فرمود: به کوه نظر کن، خدا در کوه تجلی کرد؛ موسی و یارانش همه از خوف بی‌هوش به زمین افتادند، سبب این‌گونه خوف‌ها کمال معرفت به خداست. از این رو، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَنَا أَخُوفُكُمْ لِلَّهِ»؛ یعنی ترس من از خداوند نسبت به همه شما بیشتر است.

سبب کمی خوف از خدا

۱. بی‌خبری از عظمت و جلال خدا و جهل به محاسبه، مؤاخذه و عقاب روز جزا.

۱. نراقی، معراج السعاده، ص ۱۶۳.

۲. فاطر، ۲۸.

۳. اعراف، ۱۵۴.

۴. بینه، ۸.

۵. انفال، ۲.

۶. غزالی، احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۳۵ و فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۷۰.

۲. غفلت و بی‌توجهی نسبت به احوال و عذاب‌های روز پر وحشت قیامت.
۳. اطمینان و خاطر جمعی به رحمت پروردگار یا مغرور شدن به طاعات و اعمال خود.^۱

راه‌های تحصیل خوف از خدا

۱. در تحصیل یقین و قوه ایمان به خدا، روز جزا، بهشت، دوزخ، حساب و عقاب تلاش نمودن.
۲. پیوسته به فکر احوال روز حساب و به یاد انواع عقاب بودن، مرگ را در پیش نظر داشتن و سختی عالم برزخ را تصوّر نمودن و مؤاخذه روز قیامت را نصب العین خود ساختن.
۳. مشاهده حالات خائفان از خدا و گوش دادن به حکایت خوف پیامبران و اولیا از پروردگار.
۴. خرسند نشدن به اطاعت و ایمان خود؛ چرا که خرسندی از اطاعت و ایمان، نشانه بی‌خبری است.^۲

ارزش رجا

آیات و روایات فراوانی در فضیلت رجا رسیده که بخشی از آنها انسان را از یأس و نومیدی از رحمت خدا نهی می‌کند و بخشی در خصوص رجا و امیدواری است؛ از جمله مردی در حال جان کندن بود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر بالین او حاضر بود. عرض کرد: خود را می‌یابم که از گناهان ترسان و به رحمت پروردگار امیدوارم. حضرت فرمود: «در این وقت این ترس و امید در دل بنده جمع نمی‌شود مگر این که خدا او را به آنچه امید دارد می‌رساند و از آنچه می‌ترسد ایمن می‌کند».^۳

امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب علی بن ابی‌طالب علیه السلام دیدم که نوشته بود: حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در بالای منبر فرمود: «قسم به آن خدایی که به جز او خدایی نیست که به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشده مگر به واسطه حسن ظن او به خدا و امیدواری‌اش به او و حسن خلق وی و احتراز کردن از غیبت مؤمنان».^۴

و فرمود: «قسم به خدایی که غیر از او خدایی نیست، هیچ بنده‌ای ظن نیکو به خدا نمی‌دارد مگر این که خدا به ظن او با وی رفتار می‌کند؛ زیرا خدا کریم است و همه خیرات در دست اوست

۱. نراقی، معراج السعاده، ص ۱۶۸.

۲. همان، ص ۱۷۰.

۳. غزالی، احیاء العلوم، ج ۴، ص ۱۲۵.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۶۵.

و شرم دارد از این‌که بنده مؤمن گمان نیک به او داشته باشد و وی از گمان او تخلّف کند و امید وی را برنیاورد. پس گمان خود را به خدا نیکو کنید و به سوی او رغبت نمایید.^۱

موجبات امیدواری مؤمنان

۱. در آیات و روایات تصریح شده که فرشتگان مقرب و انبیای مرسل علیهم‌السلام برای مؤمنان طلب مغفرت می‌کنند: «والملائكة يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون لمن في الأرض».^۲
 ۲. رسیده است که چون بنده گناهی کند فرشتگان در نوشتن آن تأخیر می‌کنند تا شاید پشیمان شود و استغفار کند؛ در روایت است به قدر صبح تا شب، اگر استغفار کرد فرشتگان آن را نمی‌نویسند.^۳
 ۳. سوم از موجبات امیدواری، شفاعت شافعان در روز قیامت است؛ پیامبر رئوف و امامان معصوم - علیهم‌السلام - از کسانی هستند که دامن شفاعت برمی‌زنند و کمر عذرخواهی نامه سپاهان امت را بر میان می‌بندند.
 ۴. بشارت‌هایی که برای شیعیان شده که دوستی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او - علیهم‌السلام - مایه نجات است.
 ۵. آیاتی که دلالت می‌کند: خداوند جهنّم را برای کفار جحود خلق کرد؛ آنها که دشمن خدایند، پس دوستان خدا به جهنّم نمی‌روند: «وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ».^۴
 ۶. آنچه وارد شده است در خصوص وسعت عفو و مغفرت خداوند و وفور مهربانی و رحمت او مثل آن‌جا که فرمود: «وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ».^۵
 ۷. روایات بیانگر این معنا که هر بلا، ناخوشی و بیماری‌ای که در دنیا به مؤمن می‌رسد، حتی پای او که به سنگی می‌خورد، کفّاره گناهان اوست.
- پیامبر فرمود: «تب از بوی آتش جهنّم است و همین قدر نصیب مؤمنان است از آتش جهنّم».^۶

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۱ - ۷۲.

۲. شوری، ۵.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۳۷.

۴. آل عمران، ۱۳۱.

۵. رعد، ۶.

۶. فیض، المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۵۹.

فضائل اخلاقی: خوف و رجا / ۱۵۲

۸. اخباری که در ترغیب امیدواری و حسن ظنّ به خدا رسیده است؛ چنان که پیامبر ﷺ فرمود: «خدای تعالی می‌فرماید: من در پیش گمان بنده خود هستم، پس هر چه می‌خواهد به من گمان کند».^۱

حکایت

۱. گریه اویس

اویس قرنی در مجلس وعظ حاضر می‌شد و از سخنان واعظ می‌گریست. وی چون نام آتش را می‌شنید فریاد می‌زد و بلند می‌شد و شروع به دویدن می‌نمود. مردم در پی او روان می‌شدند و می‌گفتند: دیوانه دیوانه.^۲

۲. خوف اولیا

از حضرت داود علیه السلام ترک اولایی صادر شد و او تا زنده بود بر خود نوحه می‌کرد و پیوسته گریه و زاری داشت. روزی خطای خود را به یاد آورد و بی‌اختیار فریاد کرد و از جای خود جست، دست بر سر نهاد و سر به کوه و بیابان گذاشت در حالی که گریه می‌نمود؛ به طوری که درندگان به دور او جمع می‌شدند. داود علیه السلام به آنها گفت: «برگردید من شما را نمی‌خواهم، من طالب کسانی هستم که بر گناه خود گریانند». مردم به او گفتند: تا کی می‌گریی و خود را رنج می‌دهی؟ می‌گفت: «بگذارید گریه کنم پیش از آن که روز گریه کردنم سرآید، پیش از آن که استخوان‌هایم را خورد کنند و شعله در شکمم افکنند و ملائکه غلاظ و شداد را به گرفتن من امر کنند. یحیی پیامبر چون به نماز می‌ایستاد، چنان گریه می‌کرد که درخت و کلوخ از گریه او به گریه می‌افتادند و پدر بزرگوارش به حال او گریه می‌کرد تا این که بی‌هوش می‌شد.

۳. تسلیم جان

ترس از خدا بر جوانی از انصار غالب شد به گونه‌ای که این ترس او را در خانه زندانی ساخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد جوان رفت و او را در حالی که می‌گریست در آغوش گرفت و جوان جان به جان آفرین تسلیم کرد.^۳

۱. سعیدپور، داستانهای موضوعی، ص ۱۳۲، به نقل از: سنایی.

۲. ملکی تبریزی، اسرار الصلوة، ص ۲۰۷.

۳. همان.

۴. خوف امام علی(ع)

ابو درداء می‌گوید: شبی علی(ع) را دیدم که از مردم کناره گرفته و در مکان خلوتی مشغول مناجات با پروردگار خود است در حالی که او در محراب عبادت ایستاده بود، اشک‌هایش بر روی صورتش می‌غلطید، وی مانند مارگزیده به خودش می‌پیچید و مانند مصیبت‌دیده‌ها گریه می‌کرد و می‌گفت: آه آه از توشه‌اندک و سفر طولانی و انیس و هم‌نشین کم! آه از آتشی که جگرها را بریان کند و پوست بدن را برکند! آه از آتشی که خرمن گستراند! ناگاه دیدم صدا خاموش شد. گفتم: حتماً حضرت را خواب برده است، رفتم تا آن حضرت را بیدار کنم؛ چون ایشان را حرکت دادم دیدم همچون چوب خشک شده است. گفتم: بلکه امام(ع) از دنیا نرفته است و به خانه آن حضرت رفتم و فاطمه(ع) را از این امر آگاه ساختم، فرمود: «این حالتی است که از ترس خدا هر شب بر او عارض می‌شود».^۱

شعر

هر که از کردگار ترسنده است خلق عالم از او هراسنده است^۲

* * *

در پس هر گریه آخر خنده‌ای است مرد آخر بین مبارک بنده‌ای است
ز ابر گریان شاخ سبز و تر شود نور شمع از گریه روشن‌تر شود
ای خنک چشمی که آن گریان اوست وی همایون دل که آن بریان اوست^۳

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. نراقی، معراج السعاده، ص ۱۸۳.

۳. همان، ص ۱۶۵.